

● برابر اسناد تاریخی، تنها مدرسه که پیش از دارالفنون در تاریخ ایران به‌چشم می‌خورد، مدرسه نظام «کامران میرزا، فرزند وزیرجنگ ناصرالدین‌شاه، است که به سال ۱۲۶۴ قمری تأسیس شد و در طول دوره وزارت او، به‌کار تعلیم سنتی نظامیان پرداخت. در سال ۱۲۶۵ قمری، اساس دارالفنون تهران به فکر و ابتکار «میرزاتقی‌خان امیرکبیر» بنیان گرفت و در سال ۱۲۹۳ قمری، دومین دارالفنون ایران در تبریز تأسیس شد؛ البته هر دوی این مدارس، مخصوص خواص بود و دروس آن‌ها در سطح دانشگاه ارائه می‌شد.

● میرزاحسن‌خان مشیرالدوله، نخستین کسی است که پیش از مشروطه، پایه مدرسه علوم‌سیاسی را گذاشت. افتتاح مدرسه سیاسی در نیمه شعبان ۱۳۱۷ قمری (۱۸۹۹ میلادی) مطابق با ۲۸ آذر مقرر شد. مدرسه سیاسی درحقیقت پایه و مرکز اساس مدرسه حقوق و بالاخره دانشکده حقوق امروزی است. این مدرسه ابتدا یکی از ادارات مستقل وزارت‌خارجه بود و بودجه آن تا اوایل مشروطه از این محل تأمین می‌شد. در سال‌های اول، حسن مشیرالملک ریاست آن را برعهده داشت و محقق‌الدوله نیز که تحصیلات خود را در اروپا تمام کرده بود، به‌سمت مدیر داخلی و معاون تعیین شد.

● میرزاحسن تبریزی در سال ۱۳۰۰ قمری به کمک برادر ناتنی خود، اولین مدرسه ایرانی را در شهر ایروان به نام مدرسه «رشدیه»، تأسیس کرد و با استقبال و تجلیل مسلمانان آن دیار روبه‌رو شد. بعد از پنج سال، مدرسه رشدیه پیشرفت کرد و شهرت یافت، به‌طوری‌که ناصرالدین‌شاه هنگام بازگشت از فرنگ، از آن بازدید کرد و آن را بسیار پسندید و در سال ۱۳۰۶ قمری در محله ششگلان، اولین آموزشگاه جدید را در تبریز بنیان نهاد و در سال ۱۳۱۱ قمری در کوچه «جبه‌خانه»، مدرسه‌ای با اصول جدید تأسیس کرد. در این مدرسه بود که او در زمینه تدریس الفبا، روشی را پیش گرفت که مبنای تدریس الفبای امروزی و متکی به صوت حروف بود. در این مدرسه، طرز تهجی به روش قدیم، متروک و یادگیری الفبا با روش جدید، بسیار آسان شد.

● در شهریور سال ۱۳۱۱ اولین مدرسه خلبانی تأسیس شد. محصلان اولین دوره خلبانی که از بین صدها داوطلب به‌عنوان واجدان شرایط انتخاب و پذیرفته شدند، بیست نفر بودند که از بین آن‌ها چهارده نفر فارغ‌التحصیل شدند.



نخستین ایرانی که موفق به طی دوره خلبانی و پرواز با هواپیما شد، «سرهنگ محمدتقی‌خان پسبان» است که به هنگام حضور در آلمان موفق به این مهم می‌شود و نامش به عنوان نخستین خلبان ایرانی در تاریخ ثبت می‌شود. البته او هیچ‌گاه این فرصت را نمی‌یابد که به عنوان خلبان پرواز کند، چون خیلی زود در حالی که تنها ۳۳سورنی پرواز آموزشی را از سر گذرانده است، در سال ۱۲۹۶ خورشیدی به علت ابتلا به بیماری از پرواز منع می‌شود. عکس فوق مربوط به سال ۱۲۹۴ و همین دوره آموزشی است.

گذری بر اولین مدارس پاگرفته در ایران

شروع مدرسه با «نظام» کامران میرزا

علیرضا مقدم با آغاز سال تحصیلی مدارس که شروع تعلیم و تربیت برای دانش‌آموزان و اهل علم است، تصمیم گرفتیم با مروری بر صفحات تاریخ، نخستین‌های مدارس در ایران را معرفی کنیم. در سطرهای بعدی با ما همراه باشید و از آغاز بوی ماه مهر در دوره قاجار بخوانید.



جمعی از معلمان و محصلان دارالفنون. اواخر دوره قاجار

● اولین مدرسه کشاورزی در ایران، مدرسه فلاحت مظفری است که بر اثر تلاش «میرزاتصرا...خان مشیرالدوله، که عهده‌دار امور وزارت‌خارجه بود، در سال ۱۳۱۹ قمری در تهران برای آموزش کشاورزی تأسیس شد. برای اداره‌کردن آن، «مسئوداشر» از بلژیک استخدام و به‌عنوان مدیر فلاحت ایران به خدمت مشغول شد و چون در آن تاریخ به‌جز مدرسه فلاحت جدیدالتأسیس، مؤسسه دیگری در ایران وجود نداشت، به ریاست مدرسه مزبور منصوب شد و به تدریس دروس فلاحتی پرداخت. یک مدرسه فلاحت را نیز در سال ۱۳۰۱ رضاخان، سردار سپه افتتاح می‌کند که این تصویر مربوط به همین مراسم است.



خودنگارهٔ صنیع‌الملک

● میرزا ابوالحسن غفاری مشهور به «صنیع‌الملک»، فرزند میرزا محمد غفاری، بزرگ‌ترین نقاش عصر قاجاریه است که در محافل هنری، او را «رافائل ایران» نام‌نهاده‌اند. وی ابتدا نقاش‌باشی و سپس صنیع‌الملک لقب گرفت. او مؤسس اولین مدرسه نقاشی، نقاش‌خانه و گالری نقاشی ایران است که در شماره ۵۲۰ مورخ شوال سال ۱۲۷۸ خورشیدی در روزنامه «دولت علیه ایران، که اول نامش «وقایع اتفاقیه» بود، برای قبول شاگرد، اعلان منتشر کرده است. در این نقاش‌خانه، روزهای جمعه نمایشگاهی برای بازدید عمومی برپا می‌شد.

آجری از آوارمدارس رشدیه

نگاهی به شکل‌گیری نخستین دبستان‌های ایران که مدیون پایمردی میرزاحسن تبریزی است

استانبول به تبریز می‌رسیدند. در این بین روزنامه‌ثریا به‌قول خودش، «بسی تاریکی‌ها را روشن» می‌کند. او در یکی از شماره‌های همین روزنامه می‌خواند: «در اروپا از هر هزار نفر، یک نفر بی‌سواد است و در ایران از هر هزار نفر، یک نفر باسواد و این از بدی اصول تعلیم است.» چندی بعد هنگام یکی از منبرهایش، مظفرالدین‌میرزا، ولیعهد ناصرالدین‌شاه، وارد مجلس می‌شود. میرزاحسن برای خوشایند ولیعهد، طرز سخن خود را تغییر می‌دهد اما در اندک زمانی از کرده خود پشیمان شده، از منبر پایین می‌آید و برای روبه‌رو نشدن با اصرار اهل محل، از شهر خارج می‌شود و در ایروان اقامت می‌گزیند. در مدت‌زمان اقامت در ایروان است که میرزاحسن با مفهوم مدرسه بیشتر آشنا می‌شود. پدر می‌خواهد او هم یک روحانی شود و درشش را در عراق ادامه دهد اما میرزاحسن، سودای دیگری در سر دارد و به‌جای رفتن به‌نجف و خواندن درس طلبگی، روانه بیروت و استانبول می‌شود تا با اصول آموزش نوین، آشنایی بیشتری پیدا کند و در «دارالمعلمین»هایی که فرانسه‌ای و انگلیسی‌ها دایر کرده‌اند، تحصیل کند.

● اولین مدرسه ایرانی درایروان

او در عثمانی، بخشی از روش ابداعی خود در الفبای صوتی را به تقلید از معلم زبان فرانسه می‌نویسد و سپس در سال ۱۳۰۰ قمری به ایروان بازمی‌گردد تا با کمک برادر ناتنی اش، مدرسه‌ای را برای مسلمانان قفقاز تأسیس کند و به کودکان آن شهر آموزش بدهد. او، نام مدرسه تازه‌تأسیس خود را به پیروی از واژه رشدی که در عثمانی به مدارس ابتدایی گفته می‌شود، «رشدیه» می‌گذارد و از آن پس خود نیز به رشدیه معروف می‌شود.

● مشهد؛ گریزه‌گاه میرزا حسن

درکنار مشکلاتی نظیر تألیف کتاب‌درسی و آموزش معلمان، اعلان‌های مکتب‌داران شهر و تهمت بی‌دینی و بابیگری، نیز باعث می‌شود بساط

● اولین مدرسه دخترانه در ایران در سال ۱۳۱۵ قمری در قریه چالیاس از توابع کرمان، افتتاح‌یافت.



پس از مشروطه، اولین دبستان دخترانه جدید و ملی تهران با نام مدرسه «ناموس» را خانم «طوبی آزموده» در سال ۱۲۸۶ خورشیدی تأسیس کرد. آموزش دختران، محدود به مکتب‌خانه‌ها بود که زنان مکتب‌دار در آن آموزش می‌دادند. در ۱۳۰۴ خورشیدی، دوره اول متوسطه و بعد دوره دوم به آن افزوده شد.

● در سال ۱۳۱۵ قمری نخستین مدرسه غیردولتی تهران به سرمایه «میرزا کریم‌خان سردارمعظم‌فیروزکوهی» افتتاح شد و به آموزش ایتمام اختصاص یافت. «عبدالحسین‌خان سپهر» در مرآت‌الوقایع مظفری می‌نویسد: «در ربیع‌الثانی ۱۳۱۵، میرزا کریم‌خان سردارمعظم‌فیروزکوهی امیرتومان، ملقب به «منتظم‌الدوله»، در محله حسن‌آباد تهران، مدرسه‌ای برای ایتمام از مال خود دایر کرد. در آن مدرسه، خواندن و نوشتن فارسی و اصول و فروع دین و تاریخ و جغرافیا و حساب و صنایع ازقبیل ارسی‌دوزی، پارچه‌بافی و قالی‌بافی می‌آموزند. کمال توجه را سردار از مدرسه دارد. همه نوع مخارج شاگردها را از خوراک و پوشاک متکفل است.»



● به موجب حکم عمومی قشون، شماره یک بهمن ۱۳۰۰ خورشیدی صادرشده ازسوی وزیر جنگ وقت(رضاخان)، به «سرهنگ عزیرا... رضاعی»، به‌عنوان رئیس کل مدارس نظام، ابلاغ شد که مدرسه‌های قزاقخانه، مشیرالدوله، بطاری و مدرسه صاحب‌منصبان ژاندارمری را با یکدیگر ادغام کرده، یک مدرسه واحد به نام «مدرسه نظام کل قشون» تأسیس کند. این مدرسه جدید، متشکل از چهار مدرسه ابتدایی، متوسطه، عالی و دام‌پزشکی بود. در مهر ۱۳۰۲، محل کنونی دانشگاه افسری که پارکی مصفا و از مجموعه کاخ‌های متعلق به کامران میرزا بود، به‌عنوان محل دائمی مدرسه انتخاب شد. در سال ۱۳۰۳ برای جبران کمبود افسران، یک آموزشگاه ستوانی نیز به تشکیلات مدرسه افزوده شد.

● مدرسه موزیک، اولین مؤسسه دولتی است که برای آموزش موسیقی به روش علمی در ایران دایر شد اما منظور از تأسیس آن، آموزش مارش و موسیقی ویژه رژه‌های نظامی بود. پس از این، شعبه موزیک دارالفنون در سال ۱۲۹۷ خورشیدی از قشون جدا شد و جزو یکی از واحدهای وزارت معارف درآمد و به نام مدرسه موزیک شناخته شد. این مدرسه تا سال ۱۳۰۷ خورشیدی زیر نظر «سالار معزز» و معاونت فرزند ارشدش، «نصرا...خان مین‌باشیان»، ملقب به «نصراالسلطان»، اداره می‌شد و به همین نام باقی بود اما پس از این، سازمان آن دگرگون شد و مدرسه موسیقی دولتی نام گرفت.

هشتمین مدرسه را در محله ششگلان تبریز می‌سازد که دبستان باشکوهی است. به‌سبب حمایت‌های امین‌الدوله، مخالفان کاری از پیش نمی‌برند. اما سال بعد، وقتی امین‌الدوله به تهران می‌رود تا صدراعظم‌شاه جدید باشد، رشدیه را هم به تهران دعوت می‌کند. با رفتن رشدیه به تهران، مدرسه هشتم هم به لیل معذوریت مالی، منحل می‌شود.

● رشد مدارس در تهران

میرزاحسن‌خان رشدیه به پشتوانه صدراعظم، مدرسی را به نام مدارس رشدیه در تهران بنیان‌گذاری می‌کند. اما بعد از عزل امین‌الدوله و قدرت یافتن میرزا علی‌اصغر اتابک، مشکلات دوباره شروع و مدرسه نیز تعطیل می‌شود. رشدیه عازم قم می‌شود و در آنجا مدرسه‌ای تأسیس می‌کند اما شایعات کار خود را می‌کند و او تکفیر شده، فتوای انهدام مدارس جدید صادر می‌شود. به‌دنبال آن عده‌ای به مدارس جدید حمله کرده، اموال مدرسه را خراب و دانش‌آموزان را زخمی می‌کنند، حتی چندتن از دانش‌آموزان نیز در این حملات کشته می‌شوند. می‌گویند رشدیه هنگام تخریب یکی از این مدارس می‌خندید و می‌گفت: «این جاهلان نمی‌دانند که با این اعمال، نمی‌توانند جلوسیل بنیادکن علم را بگیرند. یقین دارم که از هر آجر این مدرسه، خود مدرسه دیگری بنا خواهد شد. من آن روز را اگر زنده باشم، حتماً خواهم دید.»

تاریخ می‌گوید رشدیه که تا پایان عمر در قم به آموزش و تعلیم می‌پرداخت، این روز را می‌بیند. او ۲۱ آذر ۱۳۲۳ وفات یافت، یعنی زمانی که سراسر ایران پر از دبستان بود.

منابع و تصاویر:

بخش مجموعه‌های اسنادی اداره‌کل خدمات

آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

کتاب «مشروطه ایرانی»، نوشته ماشاء... آجودانی.

شهریار

۳شنبه
۴ مهر ۱۴۰۲
۱۰ ربيع اول ۱۴۴۵
۳۰ شهریور ۱۴۰۳

۱۵

تاریخ و هویت

برگرفته از مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی



بخشی از کتاب شرعیات

میرزاحسن رشدیه، برای آموزش احکام

در مدارس ابتدایی سال ۱۲۹۰ خورشیدی